



### انعطاف داشته باشید

خشک نباشید. تجربه‌های گرانقدرتان مانع از آن نشود که فرصت‌های خوب را از دست دهید. نگویید «پانزده سال تجربه دارم، این جوری درس می‌دهم و هیچ مشکلی هم نداشته‌ام.» همیشه برای بهتر شدن جا هست برنامه کلاس درس می‌تواند انعطاف داشته باشد و این کاملاً به شما بستگی دارد. میوه‌های کال و نرسیده به سختی به شاخه‌ها می‌چسبند. پختگی و رسیدگی خود را با نرمی و شیرینی در رفتار تان به دیگران نشان دهید.

### تقویم اجرایی را دوباره نگاه کنید

در اغلب تقویم‌های اجرایی مدارس، تاریخ مناسبت‌ها، اردوها، آزمون‌ها و جلسات آموزشی پیش‌بینی شده است. حالا که با امکانات و توانمندی‌های اولیا بیشتر آشنا شده‌اید، برای ایشان هم در روزهای مدرسه برنامه‌هایی تنظیم کنید. بعضی مراسم ورزشی می‌تواند با حضور خانواده‌ها صورت گیرد. برای حفظ سنت‌ها، جشن غذا برپا کنید. بگذارید بچه‌ها آداب اجتماعی را فقط در کتاب‌ها نخوانند. محلی برای بروز سنجش و اصلاح آن‌ها فراهم کنید.

### چرخ کلاس را بچرخانید

بچه‌ها را در کلاس محبوبس نکنید. گاهی کلاستان را در حیاط تشکیل دهید. با مسئول کتابخانه و آزمایشگاه صحبت کنید. زمانی از درس‌های فارسی و علوم را در محیط‌های دیگر سپری کنید. معلم بازنشسته‌ای را دیدم که ۳۰ سال ادبیات درس داده بود و حتی یک‌بار (بنا به گفته خودش) شاهنامه و حافظ را به کلاس نبرده بود. تنها کتاب و بس. بسی تعجب کردم. وقتی کودک با شور و شوق درس یاد می‌گیرد، مدت دوام آموخته‌های او به مراتب بیشتر از زمانی است که با دستور و ترس می‌آموزد. متأسفانه بعضی‌ها ترمز کیف کودک هستند. همراه با بچه‌های کلاس چهارم به حیاط آمدیم. نقشه ایران را به اندازه خیلی بزرگ کشیدیم. با شیلنگ آب طولانی‌ترین رود ایران و با سه بسته نمک آشپزخانه شورزارها را نشان دادیم. هر کدام از بچه‌ها روی نقشه کاری را به عهده گرفته بود. هر کس تلاش می‌کرد با برگ و علف، سنگ و سبزه و خلاصه وسایل در دسترس، ایران را بهتر نمایش

برای باور تغییرات لازم نیست کل کتاب تاریخ را ورق بزنیم. تحولات علمی - آموزشی بیست سال اخیر بازگوکننده بسیاری از واقعیت‌ها هستند. نحوه دریافت حقوق، پرداخت قبوض، تهیه عکس و نوع ارتباطات امروز با سال‌های گذشته قابل مقایسه نیست. اینترنت، دسترسی به شبکه جهانی اطلاعات را سهل‌تر از آب خوردن کرده است. دیگر نشانی دادن روی نقشه، با وجود برنامه‌ها و نرم‌افزارهای متنوع، زحمتی ندارد. به همین ترتیب، نحوه آموزش نیز متحول شده است و این موضوع، به‌روز شدن معلمان بزرگوار را می‌طلبد. دیگر زمان آن که کلاس اول و آخر سلسله یادگیری باشد به پایان رسیده است.



نمی‌زدند. نه تنها بچه‌ها بلکه خود من نیز چیزهای تازه‌ای یاد گرفتم.

### به دنیای پیوستگی‌ها بپیوندید

در جهان کوانتوم هیچ کس و هیچ چیز به‌طور کامل و مستقل از نظام بزرگ‌تری که آن‌را فراگرفته است، نیست (Garmstone, Wellmann ۱۹۹۵). تجربیات کلاس را به کتاب و دفتر محدود نکنید. بگذارید درس محیط را با اندازه‌گیری طول و عرض مدرسه بیاموزند. با روزنامه‌های باطله مترمربع بسازند و مساحت راهروها را اندازه بگیرند. سرنوشت کلاس خودتان را مستقل از سرنوشت مدارس دیگر ندانید. یکی از دلایل اینکه کشور ما در بخش محیط‌زیست با مشکلاتی روبه‌روست، آن است که مدرسه محدوده کارش را به در و دیوار محیط آموزشی محدود کرده است.

راهنمایی‌های انتخاب شغل در دوران راهنمایی سابق و متوسطه حاضر نیز زمانی به نتایج واقعی خود نزدیک می‌شود که کودکان و نوجوانان دورنماهای آینده‌زندگی خود را در محیط‌های دیگر پیدا کنند.

تویشان داخل جوی کثیف (شهر) می‌افتاد. چند بار تذکر داده بودیم که حتماً دستتان را بشویید. ولی مؤثر نبود. یک‌بار که درس میکروب‌ها را داشتیم، بدون یادآوری تذکرات قبلی، آن‌ها را سرجوی آوردیم. بعد از خودشان خواستم به کمک بطری نوشابه‌ای که بر سر یک چوب وصل بود، مقداری آب را برای نمونه در ظرف دَرَداری بریزند. ظرف دَر دار را هم به دانش‌آموزی سپردیم که مادرش در آزمایشگاه کار می‌کرد. خواستیم نتیجه میکروب‌شناسی را گزارش کند. بسیار هیجان‌انگیز و تأثیرگذار بود. آن قدر سر ذوق آمده بودیم که بعدها به همراه بچه‌ها از امکانات آن آزمایشگاه استفاده کردیم. به شکلی که بچه‌ها گلبول‌های سفید را خودشان و با چشم‌های خودشان دیدند. باورتان نمی‌شود، همان روز گروه‌های خونی را یاد گرفتند و با دست خود فهمیدند گروه‌های خونی‌شان چیست.

### از تجربیات دیگران استفاده کنید

برای من فرصتی پیش نیامده است که از همسایگان شمالی ایران بازدید کنم. به عکس، یکی از همکاران تقریباً همه این کشورها را حداقل یک‌بار دیده است.

از آن‌جا که «شنیدن کی بُود مانند دیدن»، وقتی به درس همسایه‌های ایران رسیدیم، از آقای نجفی دعوت کردم به کلاس بیاید و از خاطرات خود بگوید. قبل از کلاس هم تأکید کردم وقتی به نام روده‌ها، کوه‌ها و مطالب مهم درس رسیدید با احساس خود آن را توصیف کنید.

یادگیری را مختص گروهی خاص نکنید. سربازدار مدرسه ما قبلاً کشاورز بوده و درباره حفر چاه و قنات کلی اطلاعات دارد. در یک جلسه، ۱۰ دقیقه از وقت کلاس ما به ایشان اختصاص پیدا کرد. در جلسات اولیا و مربیان از محیط‌های یادگیری بگویید. اگر صدای شما تنها یک پژواک هم داشته باشد کافی است. مشورت با معلمان را فقط به همکاران پایه خود محدود نکنید. از تجربه‌های دیگران به نحو احسن استفاده کنید. پدری بود که در معدن کار می‌کرد. او را به کلاس دعوت کردیم. بچه‌ها پلک

دهد. خیلی خندیدیم. خیلی کیف کردیم. درس هم دادیم. جغرافی داشتیم.

### اعتمادسازی کنید.

درست خاطر هست ۲۵ سال پیش وقتی برای جمع‌آوری برگ، از مدیر مدرسه اجازه خواستم با دانش‌آموزان تاسر کوچه بروم، دلواپسی را در چهره او می‌دیدم. آن روز یکی از روزهای پاییزی بود و درختان را هرس کرده بودند. این بود که به فکرمان رسید به جای برگ، نمونه‌های شاخه‌های خشک را (به اندازه یک ممداد) برداریم. اما همین فکر تازه که حاصل فضای تخیل‌برانگیز بیرون کلاس بود، ما و مدرسه را به برنامه‌های دیگر تشویق کرد. خاطراتان باشد، تخیل از دانش مهم‌تر است. درون هر کودک سرچشمه‌ای از خلاقیت وجود دارد. امکان خلق کردن اندیشه و اثر تازه را ما باید به او بدهیم. همان‌طور که گفتیم، از دور و اطراف مدرسه شروع کنید، بعد جاهای دیگر را برای آموختن برگ‌زنید. هر بار با مدیریت خوب کلاستان در برنامه‌های فوق‌العاده، دایره اعتماد دیگران به خودتان را بزرگ‌تر کنید.

### وقتی کودک

### با شور و

### شوق درس

### یاد می‌گیرد.

### مدت دوام

### آموخته‌های او

### به مراتب بیشتر

### از زمانی است

### که با دستور و

### ترس می‌آموزد

### از یکتواختی و روزمرگی دوری کنید

اگر کسی از بچه‌های کلاستان بپرسد «چه کسی می‌تواند نقش معلم را بازی کند؟» بگذارید اگر قرار است به‌جای شما ایفای نقش کنند، فکر کنند. خیلی قابل پیش‌بینی بودن هم خوب نیست. معلمی که رفتار هر روزش مثل دبروز است، به‌راحتی قابل تکرار است. برای درس تاریخ، فیلم نشان دهید. بچه قورباغه به کلاس بیاورید و گاهی لباس متفاوت بپوشید. «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید» (سهراب سپهری).

### خانواده‌ها را با خود همراه کنید

بعضی معلم‌ها تصور می‌کنند در یک جبهه معلم سنگرداری می‌کند و در طرف دیگر خانواده‌ها. این فکر غلط را دور کنید. بچه‌ها بازی می‌کردند و گاهی